انشائات طولی و مسأله اجتماع امر و نهی

شاگرد: اگر در مقام ثبوت انشائات طولی باشد، به یک نگاهی نمی‌توان گفت که یک نوع اجتماع است؟ مثلاً به جهت صدقهٔ الله برای مسافر در صلات چهار رکعتی تخفیف داده می‌شود. ای موارد حج، اگر آنها را در ثبوت در نظر بگیریم، به یک نگاه نمی‌توانیم بگوییم؟

استاد: مانعی ندارد اگر با آن طولیت جا بگیرد. اما آن چیزی که من الآن عرض می‌کنم با هم تفاوت دارند برای این است: ما می‌خواهیم در عملی که مکلف انجام می‌دهد... .

شاگرد: شما مقام خارج مد نظرتان است.

استاد: ما می‌خواهیم احکام را جاری کنیم. یعنی الآن می‌خواهیم احکام هر دو عنوان را به جای خودش جاری کنیم.

شاگرد: اگر حج را به مقام ثبوت بردیم، همان جا که این صنف خاص -مثلاً شیخ و شیخه- هست، می‌گوییم وجوب طبیعت برای تو هست و تو می‌توانی اتیان کنی.

استاد: یعنی اگر در ثبوت ما طولیت را به‌خوبی جا انداختیم، به این معنا که همه اینها الآن هستند و تنها روی هم سوار شده‌اند، یکی بالفعل دارد کاری را انجام می‌دهد اما به محض اینکه فعلیت او مخدوش شد، نیازی به دلیل جدیدی نداریم. برمی‌گردیم به آن چه که در طول آن است. اگر اینطور باشد آنها هم هستند. ولی هر دوی آنها با هم فعال نیست. تفاوت آن چه که الآن عرض می کنم با ثبوت در این است. در مانحن فیه هر دوی آنها فعال است. چون هر دو عنوانی که بر این صدق می‌کند، هر دو ثبوتا انشاء شده، بدون اینکه در طول هم باشند. مثل صلات غصبی. می‌گفتید درعین‌حالی که دقیقاً مصداق غصب است، دقیقاً مصداق سجده هم هست؛ سر روی زمین غصبی می گذارد. درعین‌حالی که این سر گذاشتن عین سجده است، عین غصب هم هست.

شاگرد: اینکه می‌گویی هم زمان فعال نیست، یک نوع تفاوت بین صنف و طبیعت است؟ یعنی وجوب روزه و نمازی که برای طبیعت هست، فعال است اما برای صنف خاص -شیخ و شیخه- جواز ترک دارد. وقتی ما مکلف را نگاه می‌کنیم هنوز می‌تواند اصل وجوب را انجام بدهد. یعنی به این صورت نیست که کلاً از فعال بودن افتاده باشد.

استاد: آن مانعی ندارد. اما در این چیزی که ما الآن گرفتارش هستیم، قید کار، در عرض هم بودن است.

> 14:41

شاگرد: بله، ریخت آنکه فرق دارد.

استاد: اگر آن طولیت را تصور کردیم فرمایشات شما درست است. با همان فضای طولی میآید. اما در اینجا که میگوییم عناوین با هم تصادق میکنند و اجتماع امر و نهی مثل آب ساری در درخت، در کل فقه میآید، آن وقتی است که تصادق دو عنوان عرضی است. قید آن عرضیت است. چرا عرضی است؟ چون میخواهیم عنوان هر دو را با لفعل بار کنیم. هم میخواهیم آثار طبیعت صلات ظهر واجب در شرع را بیاوریم، هم میخواهیم آثار استحباب اعاده به جماعت را بیاوریم. و لذا اینکه گفتم مهم است برای این است که میخواهیم با لفعل هر دو را بیاوریم. اگر دوباره از این عرضیت و فعلیت صرفنظر کنیم فوائد این حرف از دست میرود و به فضای قبلی میرود. الحمد لله نکات خوبی فرمودید و تکرارش هم خوب است.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 13:20:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 13:21:14 توسط ... .